■روزنـامه فرهنگی، اجتمـاعی صبح ایـران■صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران■مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی■نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

# جام جم

■شاپا: ۳۶۳۷-ISSN۱۷۳۵
■پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

یکشنبه ۱۵ دی ۱۳۹۸ | ۹ جمادی الاولی ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۵۶۸ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Sunday - 2020 January 5

**حدیث روز:** **تحف‌العقول**
از امام حسن(ع) سؤال شد: حلم چیست؟ فرمود: فروخوردن خشم و خویشتن‌داری.

**پلک احساس:** **حافظ**
شکر خدا که از مدد بخت کارساز
بر حسب آرزوست همه کار و بار دوست

**امروز در تاریخ:**
- انتصاب موسیو مرنارد به سمت خزانه‌داری کل ایران در پی اولتیماتوم روسیه به ایران (۱۲۹۰ش)
- شهادت سرلشکر منصور ستاری، فرمانده نیروی هوایی در سانحه سقوط هواپیما (۱۳۷۳ش)
- چاپ نخستین اسکناس اروپا در سوئد (۱۶۹۱م)
- اعلام سیاست جدید آمریکا در خاورمیانه معروف به دکترین آیزنهاور (۱۹۵۷م)

**اوقات شرعی:**
اذان ظهر: ۱۲/۰۹ غروب آفتاب: ۱۷/۰۴
اذان مغرب: ۱۷/۲۵ نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۲۵
اذان صبح (فردا): ۵/۴۵ طلوع خورشید (فردا): ۷/۱۵

**پیش‌بینی آب و هوا دوشنبه**

| تهران | ایلام | بندرعباس | زاهدان | زنجان | ساری | سمنان | سنندج |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۹ / ۰ | ۸ / ۳- | ۲۶ / ۱۲ | ۱۵ / ۰ | ۲ / ۹- | ۱۴ / ۱ | ۱۰ / ۱- | ۷ / ۶- |

**حکمت ۳۰:** **نهج‌البلاغه**
هشدار هشدار، به خدا سوگند، چنان پرده‌پوشی کرده که پنداری تو را بخشیده است.

**خودنویس**

## خون والقلم و مایسطرون

حامد عسکری
شاعر و نویسنده

زبان چه کارکردی دارد؟ کلمه‌ها به چه دردی می‌خورند وقتی که باید به کارت بیایند شانه خالی کنند و سرباز بزنند و دست خالی باشی؟ حالا من هزار بار تایپ کنم غمگینم، بنویسم جگرم می‌سوزد، بنویسم بی‌خوابم تو فقط با لایه اول متن مواجهه داری و غمگین بودن خودت را مرور کنی و بعد بگی خب من وقتی غمگینم این شکلی می‌شوم و خب حتما نویسنده این متن هم مثل من غمگین است... دارم توییتر را اسکرول می‌کنم بی‌نام و نشان‌هایی که نه اسم و رسم درستی دارند نه عکسی از خودشان گذاشته‌اند دارند سمپاشی می‌کنند، با انصاف‌هایشان حرفشان این است که چرا ما باید در عراق باشیم وحاج‌قاسم مجبور نبوده به عراق برود که خب همین هم البته حرف گزافی است و قابل جواب اگر گوش شنوایی داشته باشند. بی‌انصاف‌هاشان اما حرف‌هاشان حرف نیست، خنده‌های چندش‌آور و لزج و خیس گفتار است، تعفن از کلماتشان بیرون می‌زند، چرك و عفونت زخمند حال این‌که این زخم کی و کجای این ۴۰ سال و با خنجر که به جانشان نشسته خدا می‌داند، جگر ما که سوخته است، بد هم سوخته آنقدری که نمك متعفن کلمه‌های این بی‌شرف‌ها هم نبود خیلی در سوختن‌مان توفیری نمی‌کرد. قصه عاشوراست رفیق...

پهلوان قصه ما آنقدری در جنگ رشادت کرده بود که بتواند از توبره‌اش در این ۳۰ سال بخورد، کت و شلوار سیاست تنش کند و بستر عافیت بگزیند و باغچه‌ای در شمال و خانه‌ای در کیش (قطعا به حلال) تیار کند، نوه‌هایش از سر وکولش بالا بروند و هر از گاهی مصاحبه‌ای کند و تقدیرش کنند و خاطرنشان کند و بیفزاید، نکرد نخواست. زیر میز عافیت‌طلبی زد، کف میدان بود، امام حسینی‌ها همین‌طوری‌اند، نمی‌شود ۴۰ سال پوتینت غبار میدان جنگ داشته باشد و هربار همسرت لباست را اتو می‌کند از یال یقه‌اش بوی باروت و خاکستر بزند زیر بینی‌اش و بعد توی بخش آی‌سی‌یوی بیمارستانی شیك در اتاقی قرق‌شده آسمانی شوی... حسینی زیستن حسینی رفتن در پی دارد. شیشه عطری می‌شوی که ساعت ۱ و ۲۰ دقیقه می‌افتی روی آسفالت فرودگاهی در بغداد و شیشه وجودت هزار تکه می‌شود و عطرت می‌رود در خیابانی در کوبا، یمن، روسیه، وین... همه مدهوشت می‌شوند... می‌دانی رفیق اگر قرار است عاشورا تکرار شود. اگر کل یوم عاشورا را یك بار لایك کرده باشی قبول داری که کل قصه باید تکرار شود، نمی‌شود در این ور خاکریز جسمت در دشت مثل تسبیح عقیقی تکثیر شود مثل قرآنی ورق ورق، اما آن‌سو کسی نباشد که مصداق فرحت به آل زیاد باشد، نمی‌شود پیکرت روی زمین باشد و آن طرف کسی نعل تازه بر سم اسبش نکوبد، حالا گاهی این نعل تازه از فولاد است گاهی سر خودنویسی یا نوك انگشت‌هایی که قرار است بر سرزمین مجازی بر پیکری بتازند. پهلوان قصه ما قطره‌ای بود که به اقیانوس همیشه شعله‌ور عاشورا افتاد، این‌که با پیاله‌ای ماست خواب دوغ ببینی بر لب ساحل این اقیانوس شوخی بی‌مزه‌ای است که بعدها تاریخ مسخره‌ات خواهد کرد. پشت کردن به آفتاب فقط سایه روبه‌رویت را تیره‌تر می‌کند و ممکن است پیش پایت را خوب نبینی. من اگر طراح جدول روزنامه‌ها بودم، این سوال را حتما یك روزی یك‌جایی در جدول تازه‌ام می‌گنجاندم: سه حرفی افقی: بهترین وسیله برای آزمایش مقدار شرف در اشخاص؟ و پاسخش یك کلمه بود: خون

### گفت‌وگو با احمد یوسف‌زاده، نویسنده کتاب «آن بیست و سه نفر» درباره شهید سردار قاسم سلیمانی

# ساکن قلب‌ها

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

۱۷ اردیبهشت ۹۴ از طرف سردار قاسم سلیمانی نامه‌ای به دست احمد یوسف‌زاده رسید. در این نامه نویسنده کتاب «۲۳ نفر» احمد عزیزم خطاب شده بود. نامه‌ای پر از شفقت و مهر که فرمانده برای سربازش نوشته بود. سربازی که از نوجوانی، فرمانده را می‌شناخت و با منش او آشنا بود. از زمانی که هنوز پشت لبش سبز نشده بود که راهی جبهه شد اما خیلی زود با دیگر دوستان و رفقایش اسیر شد و معروف شدند به «۲۳ نفر». یوسف‌زاده وقتی از اسارت برگشت و دانشگاه رفت و درس خواند و فنون نویسندگی را آموخت، خاطراتش از دوران اسارت را به صورت کتاب منتشر کرد. درام عجیبی از کار درآمد. چند نوجوان که اسیر سربازان عراقی می‌شوند و با سرتق بازی و هوشمندی سربازان و فرماندهان و حتی صدام را کلافه می‌کنند. کتاب ۲۳ نفر به دست سردار سلیمانی می‌رسد و ایشان کتاب را می‌خوانند و برای یوسف‌زاده یادداشتی می‌فرستند، برای نوجوانی که حالا جوانی با تجربه شده و از قضا همشهری سردار نیز هست. در بخش‌هایی از این نامه آمده است: «احمد عزیزم؛ تقریظ و تحسین رهبر عزیزمان مرا تشویق به خواندن کتابت کرد و پس از قرائت آن به مقامت غبطه خوردم و افسوس، که در کارنامه‌ام یک شب از آن شب‌ها و یک روز از آن روزهای گرفتار در قفس را ندارم. شماها عارفان حقیقی و عابدان به عبودیت رسیده‌ای هستید که به عرش رسیدید، ای‌کاش در همان بالا بمانید. چه افتخارآمیز است ربانیون بر منبر نشسته، تربیت یافتگان منابر خود را به تماشا بنشینند. چه زیباست جوانان جویای کمال، کودکانِ کمال‌یافته در قفس دشمن را ببینند. ای‌کاش سفیرانِ در قصرهای مجلل نشسته کشورمان، این سفیران در قفس گرفتار شده را ببینند و چگونه سفیر بودن را بیاموزند.

احمد عزیز؛ وقتی کتابت را خواندم ناخودآگاه صحنه اسارتی در مقابل دیدگانم مجسم شد و به‌یاد آن اسیر، بر کتاب این اسیر، اشک ریختم، یاد قهرمان اسارت که اسارت را به اسیری گرفت....»

این روزها فیلمی که درباره ۲۳ نفر ساخته شده در سینماها اکران در حال است. فیلمی به کارگردانی مهدی جعفری. روزی که جعفری این فیلم را کلید زد، سردار سلیمانی مهمان ویژه‌ای بود که با حضورش در پشت صحنه این فیلم نشان داد می‌داند فرهنگ و هنر به خصوص سینما چه تاثیری بر روایت‌های دفاع مقدس دارد.

حالا چند روزی است، سردار قاسم سلیمانی شهید شده، چند روزی است سایه غم بر سر کشور سایه انداخته. چند روزی است ۲۳ نفر و همه آنهایی که مانند ۲۳ نفر در جبهه‌ها شهید یا اسیر یا جانباز شدند، یاور خود را از دست داده‌اند. دلتنگی آنها آنقدر محسوس است که می‌توان رد آن را در هر کلمه‌ای که می‌گویند، احساس کرد. همان طور که من رد آن را در صدای احمد یوسف‌زاده شنیدم وقتی دیروز به او تلفن کردم تا درباره همشهری سردارش با او همصحبت شوم، سرداری که با شهادتش همه را غافلگیر کرد و حالا یوسف‌زاده دلتنگ اوست و می‌گوید: خاندان سلیمانی از بزرگ‌ترین و بانفوذترین خاندان‌های کرمان هستند که زادگاهشان روستای قنات ملک شهرستان رابر است.

**یوسف‌زاده:** مردم کرمان آنقدر با ایشان صمیمی بودند که او را «حاج‌قاسم» خطاب می‌کردند

### از صف بیرونم کشید

یوسف‌زاده می‌گوید: سال ۶۱ که تصمیم گرفتم به جبهه بروم سردار شهید سلیمانی، فرمانده تیپ بودند. ایشان با حضور نوجوانان در جبهه مخالف بودند. وقتی ما را توی صف دیدند که برای ثبت‌نام رفته بودیم ما را از صف بیرون کشیدند و اجازه ندادند، برویم. معتقد بودند زیر ۱۸ سال نباید به جبهه برود. می‌گفتند، اسیر می‌شویم و سربازان عراقی زیر کتک و شکنجه ما را وادار می‌کنند که بگوییم ایران ما را به زور به جبهه فرستاده و آبروی جمهوری اسلامی را می‌بریم! ما با هر ترفندی بود به جبهه رفتیم و حدس آقای سلیمانی درست از کار درآمد و ما اسیر شدیم اما هر وقت کتک خوردیم و شکنجه شدیم یاد حرف سردار سلیمانی افتادیم که نباید حرفی بزنیم که آبروی جمهوری اسلامی خدشه‌دار شود.

سال ۶۹ که با بقیه اسرا آزاد شدم، آقای سلیمانی یکی از فرماندهان سپاه بودند که در جنوب کرمان و سیستان و بلوچستان با اشرار مبارزه می‌کردند. اما روش ایشان با روش‌های ضربتی و قهری مرسوم فرق داشت. ایشان طرح امنیت اشرار را در این مناطق اجرا می‌کردند، اشرار با تحویل سلاح خود و دوری از قاچاق مواد مخدر، زمین و آب می‌گرفتند و کشاورزی کرده و زندگی آبرومند و آرامی را برای خود و خانواده‌شان می‌ساختند. این طرح یکی از بهترین طرح‌هایی بود که بانی آن شهید سردار سلیمانی بود.

### حاج‌قاسم عزیز ماست

یوسف‌زاده می‌گوید: سردار شهید سلیمانی برای مردم استان کرمان عزیز بود. گرامی بود و مردم آنقدر با ایشان صمیمی بودند که او را حاج قاسم خطاب می‌کردند، آنقدر که ایشان خاکی و مردمی بود. خانه‌ای در کرمان داشتند و بعد زمین کنار آن را هم خریداری کردند و حسینیه‌ای راه‌اندازی کردند به نام «بیت‌الزهرا». دهه فاطمیه خودشان می‌آمدند کرمان و برای دختر پیامبر اسلام (ص) مراسم عزاداری برگزار می‌کردند. آنقدر با مردم صمیمی بودند که خودشان جلوی در می‌ایستادند و به مردم خوشامد می‌گفتند. حواسشان آنقدر به مهمانان و عزاداران بود که اگر از کسی پذیرایی نمی‌شد، مهمانداران را صدا می‌زدند و آن شخص را نشان می‌دادند و می‌گفتند، از او پذیرایی کنید.

### راز محبوبیت سردار

نویسنده کتاب آن بیست و سه نفر می‌گوید: آقای سلیمانی عاشق ایران بود. نمی‌خواست ذره‌ای از خاک ایران دست اجنبی بیفتد. همه تلاش خود را کرد تا بعد از جنگ و پایان یافتن دوران دفاع مقدس مردم حتی صدای یک گلوله نشوند که آرامش شان به هم بریزد. ارتش خود را ۲۰۰۰ کیلومتر دورتر از خاک ایران مستقر کرده بود از این فاصله از ایران و ایرانیان دفاع می‌کرد.

اشتباه است اگر این را به حساب کشورگشایی یا تسلط بر منطقه بگذاریم. آقای سلیمانی در قلب ملت ایران جای دارد چون همه مردم را بدون در نظر گرفتن جناح سیاسی و حزبی یا حتی نوع تفکرشان دوست داشت. حتی در یکی از سخنرانی‌هایشان گفتند: دختر بدحجاب هم دختر من است باید از او محافظت کرد، چون ایرانی است. برایش اصلاح‌طلب و اصولگرا فرقی نداشت، همه باید در کنار هم در امنیت زندگی می‌کردند. امنیت ایران برایش مهم‌تر از هر چیزی بود، برای همین تا زمانی که داعش بر منطقه تسلط پیدا کرده بود ایران در امنیت بود. الان هم می‌دانم آنهایی که راه شهید سلیمانی را ادامه می‌دهند با همان قدرت و صلابت و ایمان از ایران و ایرانی دفاع خواهند کرد.

سردار سلیمانی در پشت صحنه فیلم ۲۳ نفر

**کافه میرداماد**

**یادداشت**

دلنوشته سید مهدی شجاعی برای شهید سردار قاسم سلیمانی

## سینه‌اش صندوقچه اسرار بود

سید مهدی شجاعی
نویسنده

وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيهِ رَاجِعُونَ

مردی با بال‌های شهادت به ملا اعلی عروج کرد که زمین، سنگینی قدم‌هایش را بر گرده خود می‌فهمید و آسمان به سایه‌اش بر سر او می‌بالید.

او اقیانوسی عمیق و کتوم بود که به‌رغم غرائب نهفته در اعماق، بر ساحل نگاهش امواجی نرم و آرام داشت.

او کوهی استوار و شامخ بود که هیچ توفانی توان لرزاندش را نداشت. سردار قاسم سلیمانی مصداق تمام و کمال مردی و مردانگی و تعین مجاهد فی سبیل‌ا... در عصر ما بود.

شخصیتی منحصر به فرد که مشابه و نظیر نداشت و قرن‌ها بود که مادر گیتی کسی چون او را به بشریت اهدا نکرده بود. وجودش چنان از عظمت خدا لبریز بود که هرچه جز او را کم و کوچك می‌دید. ترس را نمی‌شناخت و با خستگی و نومیدی بیگانه بود. پرداختن به کارهای بزرگ، هیچ‌گاه از توجهش نسبت به امور کوچك نمی‌کاست.

او با دست‌های اعجازگرش، عقل و عشق را به هم پیوند زده بود و با نگاه آسمانی‌اش مهر و رقت و عطوفت را با اقتدار و سلحشوری و صلابت آشتی داده بود.

عشق به حضرت محمد مصطفی و علی مرتضی و اهل بیت عصمت و طهارت، مهر و عاطفه وجودش را به همه ابنای بشر تعمیم داده بود.

سینه آسمانی او صندوقچه اسراری بود که جز خودش هیچ کس از عهده حمل آن برنمی‌آمد.

او کسی بود که در معرفت و سلوك غبطه عارفان و سالکان را برمی انگیخت و در هوش و کیاست و فراست، رشك برجسته‌ترین طراحان و سیاستمداران جهان و در شجاعت و رشادت، حیرت بی‌باك‌ترین دلیران و جنگاوران. او مردانه می‌جنگید تا ریشه وحشت و ترور را در جهان بخشکاند و صلح و آرامش ماندگار را برای بشر به ارمغان بیاورد. نه‌تنها ملت ایران که دنیای تشیع و جهان اسلام، به هر چه از امنیت و آرامش و عزت رسیده‌اند، الی الابد وامدار مجاهدت‌های بی‌بدیل اویند. خداوند درجات عالی‌اش را متعالی گرداند و شفاعت او را در حق درماندگان و زمینگیرانی چون ما بپذیرد.

طوبی له و حسن مأب

## شکفتن بزرگ‌ترین گل جهان

فعالان زیست‌محیطی اندونزی از کشف بزرگ‌ترین گلی که تاکنون در جهان مشاهده شده در جنگل‌های این کشور خبر داده‌اند. به گزارش ایسنا، گل غول‌پیکر Rafflesia tuan mudae، یك گل قرمز گوشتی با لکه‌های سفید مانند تاول روی گلبرگ‌های عظیم خود است که با قطر ۱۱۱ سانتی‌متر در اندونزی مشاهده شده است. این گل از رکورد قبلی گلی با گلبرگ‌هایی به قطر ۱۰۷ سانتی‌متر که چندین سال پیش در جنگل‌های غرب سوماترا کشف شده بود نیز بزرگ‌تر است. گلبرگ‌ها و شکوفه‌های گل غول‌پیکر Rafflesia tuan mudae پس از یك هفته پژمرده شده و از بین می‌روند.

## لندکروز دوست‌داشتنی

اولین تصاویر لندرور مدل ۲۰۲۰ دیفندر منتشر شد که خبر از تولید نسل جدید این آفرودر دارد و مقامات لندرور ادعا می‌کنند این جان‌سخت‌ترین دیفندر تولیدشده در تمام دوران است.

به گزارش عصر ایران، از تصاویر چنین استنباط می‌شود که لندرور در تولید جدید خود، اوج زیبایی و حس لوکس یك خودروی امروزی را با ساده‌ترین عناصر ممکن به نمایش گذاشته است.

دیفندر ۲۰۲۰ در دو مدل مختلف ارائه می‌شود که با کدهای ۹۰ و ۱۱۰ مشخص می‌شوند. مدل ۹۰ ظرفیت شش سرنشین را دارد و در مقابل مدل ۱۱۰ خود در دو نسخه ارائه می‌شود که یکی ظرفیت پنج سرنشین و دیگری ظرفیت ۲+۵ سرنشین دارد. اما داخل کابین تغییرات فراوانی در مقایسه با نسل قبلی این محصول مشاهده می‌شود و همه چیز رنگ و بوی فناورانه به خود گرفته است. یك نمایشگر لمسی ۱۰ اینچی در مرکز کنسول ویژه تنظیمات سیستم سرگرمی و دوربین‌های محیطی، نمایشگر دیجیتال میان‌نشانگر آمپر، نمایشگر هدآپ و ... از امکانات دیگر ویژگی‌های این کابین مدرن را شکل داده‌اند.

## باشکوه‌تر از زندگی

علی رئوف

**مرگ گاهی شکوه‌مندتر از زندگی است. مرگ بعضی‌ها از زندگی‌شان باشکوه‌تر است. حال آن‌که زندگی‌اش شکوهی داشته، مرگش می‌تواند غوغا به پا کند. اگر مرگش مهر شهادت هم داشته باشد که می‌تواند تاریخ را تکان دهد. مثل شهدای کربلا که هزار و چند سال است سرنوشت دنیا را تعیین می‌کنند. بعضی آدم‌ها مثل سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی در میان نبودن‌شان باشکوه‌تر و قدرت‌مندتر از حضورشان است. مراسم سوگواری‌شان می‌شود مراسم حماسی اقتدار.**

عکس: میزان

**برش سرد**

## تولید هوای تمیز با کمك دیوارهای خزه‌ای

دیوارهای ساخته شده از خزه در نزدیکی لندن نصب شده اند تا هوای منطقه را پاکسازی کنند. هر دیوار قابلیت‌های پاکسازی هوای یك جنگل کوچك با ۲۷۵ درخت را دارد.

به گزارش مهر، این دیوارها نخستین فناوری فیلتر آلودگی هستند که در آنها گیاهانی زنده به کار رفته است. ساکنان و رهگذران می‌توانند از قابلیت این دیوارها برای دریافت هوای پاك استفاده کنند. دو مورد از این دیوارها در ایستگاه اتوبوسی نصب شده است که نزدیك یك ایستگاه متروست. دیوار سوم در یك تقاطع پرترافیك نصب شده و هر کدام از دیوارها مجهز به یك تانك آب، سیستم آبیاری و حسگرهایی برای رصد رشد خزه‌هاست که با ترکیبی از پنل‌های خورشیدی و باتری‌های داخلی فعال می‌شوند. در این ساختار از انواع مختلف خزه استفاده شده تا آلاینده‌ها را از هوا پاك و همزمان اکسیژن تولید کند.